

روزنامه شرق

یکشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ ۱۲ رمضان ۱۴۴۲ ۲۵ آوریل ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۸۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۰۵
اذان صبح فردا ۴:۴۷ • طلوع آفتاب ۶:۱۸

www.sharghdaily.ir
fardashargh@gmail.com

روزنامه‌روا

اقامه نماز باران در سنجند با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در پی کاهش نزولات جوی برگزار شد.
عکس: بختیار صمدی، فارس



زمین سبز

سربداران محیط زیست

طبق قانون «حمایت قضائی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت» عمل کرده است؟ و آیا قضات این پرونده قوانین را تفسیر کرده‌اند؟

ماده یک قانون مذکور صراحتا بیان می‌کند مأموران یگان حفاظت محیط زیست و جنگلبانی که در قالب دستورالعمل تشکیل یگان‌های حفاظت در دستگاه‌های اجرائی تسلیح و ضابط خاص قضائی محسوب می‌شوند، صرفا در خصوص بندهای (۱)، (۲) و (۳) ماده (۳) قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح (ماده ۳- مأمورین انتظامی در موارد زیر حق به‌کارگیری سلاح را دارند:

۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید.
۲- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال ظوری باشد که بدون به‌کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد.
۳- در صورتی‌که مأمورین مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است) در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ حق به‌کارگیری سلاح در انجام وظایف و مأموریت‌های سازمانی خود را دارند، باید مورد حمایت بوده و دستگاه اجرائی مربوطه موظف است تکالیف خود در قبال مأموران موضوع این ماده را از جمله پرداخت دیه و جبران خسارات انجام دهد. بنابراین سازمان محیط زیست موظف بوده هرگونه حمایت مادی، حقوقی و معنوی را در مورد این سه محیط‌بان انجام دهد که اگر انجام نداده و صرفا اقدام به مصاحبه با رسانه‌ها به جهت شرح موقوفه‌کرده‌اند، چرا به وضعیتشان رسیدگی نمی‌شود؟

دربراره متن و محتوای قانون مذکور بحث بسیار است. حضور صرفا شاهد، تعاریف متفاوت از دفاع متناسب یا تفاسیر ضرورت استفاده از سلاح آن هم برای محیط‌بان و جنگلبانی که مجبور است به تنهایی شبانه برای حفظ محیط زیست به دل کیلومترها جنگل و تالاب برزد و هیچ شاهدهی جز خدا و وجدان خود در دادگاه ندارد، حال اثبات اینکه چرا شبانه قاچاقچیان و شکارچیان به در خانه‌اش آمده‌اند و در جلوی نگاه فرزندانش تروش می‌کنند یا خارج از ساعت اداری با یک تیغ موکت‌بری سرش را از بدنش جدا کرده و جسد را در جنگل رها می‌کنند، بماند در جای خود.

سید نبی مستندساز محیط زیست

قاچاقچیان چوب، جنگلبانی را ساعت دو شب از پنجره خانه‌اش در کنار کودکش با گلوله می‌کشند، اعدام یک محیط‌بان و رهایی محیط‌بان دیگر از اعدام با پرداخت دیه، چرا؟ زیرا به وظایفشان خوب عمل کرده‌اند؟ و بسیاری نمونه دیگر، اما سؤال این است، قانون، قانون‌گذار و دستگاه‌های اجرائی تاکنون چه پوششی از خانواده این افراد داشته و آیا این عزیزان را که در دفاع از مام وطن از دست می‌روند، شهید یا جانباز محسوب می‌کنند تا خانواده اینها در عذاب بی‌پناهی نبوده و همکارانشان دلگرم به عشق، رخ به رخ با متخلفان؟ چراکه امروز نه تصاویر هوایی و دوربین‌های ماهواره‌ای به کمکشان آمده و نه تلاشی حداقل برای تغییر تفکر قهری به فرهنگی در محیط زیست. آنچه رخ داده همچنان اتهام است و اتهام است و اتهام از دستگاهی به دستگاه دیگر.

قانون «حمایت قضائی و بیمه‌ای از مأموران یگان حفاظت محیط زیست و جنگلبانی» در هفتم خرداد

سال ۹۹ آن هم بعد از کشته‌شدن ۱۴۰ محیط‌بان و ۲۲ جنگلبان به تأیید شورای نگهبان می‌رسد و از مجلسی به ریاست قالیباف به دولتی به ریاست روحانی ابلاغ می‌شود اما مشخص نیست چرا همچنان سؤال‌های بسیاری بی‌پاسخ مانده و چرا باید برای هر حادثه مهم محیط‌زیستی بعد از تصویب این قانون هم دست به دامان رئیس قوه قضائیه شد؟ آیا قوانین دچار نقص‌اند و با وجود اینکه برخی از آنها به‌تازگی به تصویب رسیده‌اند بازدارنده نبوده و پاسخ‌گو نیستند؟ آیا میان قضات تفسیرپذیرند؟ یا درست اجرا نمی‌شوند؟ یا عدم شناخت قضات از رابطه انسان با محیط زیست و برعکس، سبب صدور این احکام می‌شود؟ اگر تنها یکی از این دست موارد درست باشد، با فرض اینکه این قانون حداقل ۲۰ سال فرصت آزمایش و خطا داشته و در سال ۹۹ به تصویب رسیده، کدام دستگاه باید برای این اتلاف سرمایه، وقت و هزینه محاکمه شود؟

فرانکسیون محیط زیست مجلس به وظیفه ذاتی و نظارتی خود عمل کرده و باید به‌سرعت و با قدرت قانون‌گذاری که در اختیار دارد این ابهامات شغلی را اصلاح کند. البته شواهد حاکی از آن است که مسیر لابی در مجلس خصوصا برای تصویب طرح‌های محیط‌زیستی همواره به دلیل موانع توسعه‌گراها و صنعتی‌ها، سخت و طاقت‌فرسا بوده اما برای عدم تکرار امور مشابه چاره‌ای جز اصلاح سریع تفکر، نگاه‌ها و قوانین بازدارنده و بران نیست. اما روی دیگر سکه! آیا سازمان محیط زیست به وظیفه ذاتی خود در دفاع از حقوق این محیط‌بانان

ایستنا: رئیس سازمان اطلاعاتی و امنیتی انگلیس می‌گوید چین می‌تواند کنترل سیستم عامل جهان را به دست آورد. جرمی فلینگ، در رؤسای سازمانی که مسئول جاسوسی سایبری است، در امپریال کالج همچین گفت تهدید روسیه مانند پیداکردن بساک روی برنامه خاص روی گوشی است که هر چند جدی است اما می‌توان از گزینه‌های دیگر استفاده کرد.

دلی‌میل: برنی سندرز طرح مجانی شدن دانشگاه برای آمریکایی‌ها را رونمایی کرد. بر اساس این طرح، خانواده‌هایی با درآمد کمتر از ۱۲۵ هزار دلار در سال می‌توانند رایگان به تحصیل ادامه دهند. او اعتقاد دارد تا زمانی که اقلیتی در ثروت بی‌حدوحصر غوطه می‌خورند و تعداد زیادی در فقر به سر می‌برند، آمریکا نمی‌تواند موفق شود و یک دموکراسی نیرومند باقی بماند.

هایوود ریپورتز: به پرونده‌های قضائی کوین اسپیسی اشاره کرده است. علاوه بر پرونده‌های قدیمی آزار چندین بازیگر زیر ۱۸ سال در سر صحنه فیلم‌برداری و اجراهای تئاتر، پرونده‌هایی از آزار عوامل سر صحنه سریال «خانه پوشالی» هم آمده است. تنها در یک فقره یکی از دستیاران تولید این سریال گفته حین انتقال اسپسی به بیمارستان، این بازیگر او را به شیوه نامناسبی لمس کرده است.

مغز اجتماعی-۱۵۹

مشارکت در تجربه‌ای مهیب

عبدالرحمن نجل رحیم مغز پزوه



اضطراب‌زده به پزشک مراجعه می‌کنند. این همان اضطراب و هراس افراطی در مقابل خطر آلزایمر است که در سینما، تلویزیون و وسایل ارتباط جمعی دیگر دامن زده می‌شود. فیلم «هنوز ایس» نیز در کنار این کارزار طب‌زدگی و نوعی علم‌باوری افراطی، جز هراسی ناسودمند، کمک چندانی به آگاهی و مقابله با بیماری نمی‌کند. تنها سود از این وحشت، شاید موجب کمک سرمایه‌داران ثروتمند به انجمن آلزایمر آمریکا یا روانه‌شدن خیل افراد پریشان به مطب پزشکان مغز و اعصاب برای چاره‌جویی شود. اما برخلاف انتظار، فیلم پدر (۲۰۲۰) اولین فیلم ساخته «فلورین زلز» فرانسوی، ما را به مشارکت در تجربه زوال عقل (آلزایمر) «آنتونی»، مردی ۸۰ساله (با بازی درخشان «آنتونی هاپکینز») می‌برد. این فیلم بر اساس فیلم‌نامه‌ای نوشته «فلورین زلز» و «کریستوفر همپتون» ساخته شده که اقتباسی از نمایش‌نامه‌ای به نوشته «زلز» به همین نام در سال ۲۰۱۲ است. «زلز» در مصاحبه‌ای می‌گوید این فیلم را به شکل فعلی آن تنها به شرط قبول بازیگری «آنتونی هاپکینز» ساخته است. او می‌گوید به این دلیل از موسیقی زیبای «ژرژ بیزه» و تک‌خوانی‌های اپرای صیادان صدف اثر «ژرژ بیزه» در طول فیلم استفاده کرده، چون «هاپکینز» از جوانی دوست داشته در فیلمی بازی کند که از آن اپرا استفاده شده باشد. فیلم مستقیما ما را به زیست‌جهان «آنتونی» مردی دچار بیماری آلزایمر با همه محدودیت‌های شناختی‌اش دعوت می‌کند. این آنتونی نیست که در کندوکاو جستج مفهومی برای اتفاقات عجیب، استفهام‌آمیز، گنج‌کننده در تسلسل زمانی و مکانی از هم گسیخته، در رابطه با نزدیکان خود است؛ بلکه مخاطب فیلم نیز فعالانه در این سرگردانی و حیرانی قدم به قدم با شخصیت اصلی فیلم همراه می‌شود. کارگردان فیلم، «فلورین زلز» که خودش در ۱۵سالگی شاهد دست‌وپنجه نرم‌کردن مادرزیرکش با بیماری آلزایمر بوده، مادرزگی که او را بزرگ کرده بود، به‌خوبی توانسته است از عهده این کار برآید. ما در این فیلم با تعبیر و تفسیرها درباره بیماری آلزایمر روبه‌رو نیستیم و از روی شواهد علمی به آلزایمر نگاه نمی‌کنیم؛ بلکه از طریق ارتباط بیناسوزه‌های «آنتونی» مبتلا، در درون بیماری آلزایمر زندگی می‌کنیم و آن را از طریق فیلم به طور مستقیم و شفاف دریافت و ادراک می‌کنیم. ما با آنتونی ساعت خود را کم می‌کنیم و پرستار را به زدی متهم می‌کنیم. دخترمان را با پرستار عوضی می‌گیریم. خیال می‌کنیم در آپارتمان خودمان زندگی می‌کنیم؛ ولی در آپارتمان دخترمان هستیم. شب و روز را با هم اشتباه می‌گیریم. صبحانه و شام را قاطی می‌کنیم. ساعت خوردن قرص‌ها را نمی‌دانیم. دلم به دنبال ساعت کم‌شده روی مچ دست خود هستیم. شریک‌های زندگی دخترمان را با هم عوضی می‌گیریم یا در توهم خود آنها را حاضر با غایب می‌بینیم که جملات توهمین‌آمیز یا اعمال خشونت‌آمیز از خودشان نشان می‌دهند. مطب دکتر و خانه سالمندان را از هم تشخیص نمی‌دهیم و عاقبت نهنها دیگران را به جا نمی‌آوریم و نمی‌شناسیم؛ بلکه دیگر خودمان را هم نمی‌شناسیم، به‌عنوان کسی که با بیماران آلزایمری چون مانند درختی بی‌برگ شده‌ایم، بعد از تجربه فیلم پدر می‌توانیم امیدوار باشیم که یک مبتلا به آلزایمر را آن‌طور که هست، نه آن‌طور که ما تعبیر و تفسیر می‌کنیم، بشناسیم.

دور دنیا

در اهمیت دوربین‌های روشن

هفته گذشته با رویدادی بی‌سابقه در تاریخ آمریکا و تاریخ مبارزه با نژادپرستی به پایان رسید. دادگاه قتل جورج فلوید در شهر مینیاپولیس در ایالت مینه‌سوتا «درک شووین»، افسر پلیس سفیدپوست و ۴۵ساله آمریکایی را در قتل یک شهروند آمریکایی- آفریقایی‌تبار منتهم شناخت. آقای شووین ۹ دقیقه و ۲۹ ثانیه زانویش خودش را روی گردن جورج فلوید قرار داده بود که منجر به مرگ او شده بود. حتما در جریان تأثیر این مرگ بر فضای عمومی آمریکا، اعتراضات عمومی و حتی شکست دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری هستید؛ ماجرابی که همچنان هم در آمریکا داغ است و برگزاری دادگاه‌های آن با وسواس زیادی از سوی مردم و رسانه‌ها پیگیری می‌شد. حتی حداقل‌های آخرین جلسه دادگاه تا اعلام رای هیئت‌منصفه هم در شهر مینیاپولیس آماده‌باش نظامی برقرار شد. اگرچه رای پایانی رضایت عمومی را در پی داشت، اما این قتل هم می‌توانست مثل بسیاری از رویدادهای دیگر در جهان نابرابر با پامال‌شدن خون بی‌گناهان به پایان برسد اگر یک شهروند نوجوان احساس مسئولیت نمی‌کرد، دوربین موبایلش را فعال نمی‌کرد و آن ۹ دقیقه و ۲۹ ثانیه مهم را فیلم‌برداری نمی‌کرد. دنلا فریزر نوجوان ۱۷ساله‌ای بود که سال گذشته شاهد شکنجه و مرگ جورج فلوید در خیابان بود و آن ویدئوی دردناک و مشهور را ضبط کرد. چیزی که به اعتراض وکلا در جریان رسیدگی به این پرونده قتل از آن به عنوان مهم‌ترین و قاطع‌ترین مدرک یاد شده است. اگرچه دنلا فریزر در سال گذشته یکی از مهم‌ترین ویدئوهای فضای مجازی را تولید کرده و ویدئوی کوتاهش میلیون‌ها بار در سرتاسر جهان دیده شده، اما برخلاف اسلوب حاکم بر دنیای سلبریتی‌ها پا به مسیر مشهور و معروف‌شدن نگذاشته و در یک سال اخیر در سکوت خبری به بقیه زندگی‌اش مثل یک شهروند معمولی ادامه داده است. اکثر پیشنهاد مصاحبه‌ها را رد کرده و تنها در ماه مارس در دادگاه جورج فلوید به عنوان شاهد حاضر شد و ماجرای کوتاه و تأثیرگذاری از صحنه مرگ فلوید را روایت کرد. او که خود یک آمریکایی- آفریقایی‌تبار است در دادگاه گفت که احساس می‌کرد پدر، برادر یا دوستش زیر زانوی پلیس سفیدپوست در حال شکنجه‌شدن است. دنلا فریزر آبان سال گذشته به‌دلیل ضبط ویدئوی معروفش برنده جایزه انجمن قلم آمریکا شد. جایزه‌ای که به‌صورت مجازی و توسط اسپایلی لی، کارگردان آمریکایی به او اهدا شد. در بیانیه انجمن قلم آمده بود: «داران‌لتا تنها به واسطه یک گوشی و دل و جرتی که داشت، مسیر تاریخ را در آمریکا تغییر داد و جرعه جنبشی بی‌پروا را زد که خواستار پایان‌دادن به نژادپرستی و خشونت نژادپنه‌شده مأموران پلیس علیه سیاه‌پوستان بود». پایان دادگاه جورج فلوید با ۴۵ سال زندان برای درک شووین همراه بود. یکی از مقام‌های ایالت مینه‌سوتا در پایان دادگاه گفت «چه خوب که یک شهروند آمریکایی در صحنه حاضر بود تا از این اتفاق فیلم بگیرد». اگرچه دوربین‌های موبایل‌های هوشمند در سرتاسر دنیا باید جان قدرتمندان شده اما گویا نمی‌توان دیگر قدرت آنها را نادیده گرفت. قدرت آنها و شهروندان مسئولی که دوربین‌شان را روشن می‌کنند.

پرنده آبی

و دوستان خود بخواید در صورت امکان ما را در این امر یاری کنید». او آدرس و نشانی زندان تهران بزرگ/ تپ ۵/ اندرگاه ۲/ سالان ۲- محمد شریفی‌مقدربایی فرزند احمد را هم داده است. چندین نفر اعلام کردند می‌توانند پول دریافت کنند و کتاب‌ها را بعدا با هماهنگی خانواده و دوستان زندانیان خریداری کنند. یکی از خانواده‌های زندانیان نیز تأکید کرده که هماهنگی‌ها انجام شده تا تعداد کمتر از ۱۰ کتاب در زندان دریافت شود. کتاب‌ها حتما هم نباید نو باشند، تنوع هم‌خودیه‌خود اتفاق می‌افتد؛ چون افراد با سلیقه‌های مختلف کتاب ارسال می‌کنند و در عین حال تکراری بودن هم اشکال نیست، بندها فرقی می‌کنند. حداقل پنج هزار کتاب نیاز است تا به حال بارها از امکانات محدود دارویی، غذایی و آب آشامیدنی در این زندان خبرهایی منتشر شده بود، اما حالا صحبت از کتاب است، هیر کتاب خواندنی‌ای با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد، می‌تواند جالب توجه باشد.

کتاب‌برای‌زندان

چند روز است که کشور و شوقی برای کتاب در شبکه‌های اجتماعی به چشم می‌خورد. یکی از زندانیان شناخته‌شده زندان فشافویه درخواست کتاب برای بندهای زندان کرده است. «محمد شریفی‌مقدم» در نامه‌ای از زندان چنین نوشته است: «کتاب در زندان از معدود امکان‌هایی است که می‌تواند زندانی را به دنیای بیرون از میله‌های زندان برسد. اینکه چند سالی در بیابانی، زندانی، سولوی و تختی حبس باشی، با خواندن «مرشد و مارگاریتا» بعید است تو هم بر فراز شهر پرواز کنی. به‌طور خلاصه بگویم زیبایی صفحه‌های یک رمان برای زندانی لذت‌بخش‌تر می‌شود. گویی کتاب به جان‌شنان می‌نشیند؛ پیرمرد ۷۰ساله‌ای که عصا‌زنان هر سه، چهار روز یک رمان از من می‌گیرد و بعد می‌آید روی صندلی می‌نشیند، یک سیگار روشن می‌کند و برلیم از داستان و فرازهای جذابش می‌گوید. باید عالی که هر روز می‌آید می‌گوید: «داستان داری؟» هفت کلاس سواد دارد،

یورنیوز: حدود ۵۰ هزارنیشیه مشهور آلمانی و آلمانی‌زبان ازجمله ویکیکرییس، اولریش توکور، ولکر بروخ، هایکه ماکاتش و ستاره‌های تلویزیونی مانند «جان جوزف»، «مرت بکر» و «ولریک فولکرتس» همه ویدئوهای کوتاهی را منتشر کردند که در آن با حالتی تمسخرگونه از محدودیت‌های گروناپی حمایت می‌کنند. بسیاری از رسانه‌های آلمان در اینجا فیلم‌ها را به‌شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند.

دویچه‌وله: از نگاه هنرمند بلژیکی آلن ورشورن نصب یک کلکانه بهترین محافظ در برابر کووید۱۹ است. هر چند دکتر مارتین بازانت و جان بوش، برای محاسبه احتمال گرفتن کووید در محیط داخلی بر اساس عواملی چون زمان گذراندن وقت در اتاق، فیلتراسیون و گردش هوا، ایمن‌سازی، فعالیت تنفسی و استفاده از ماسک تعریف کردند که در آن فاکتور زمان مهم‌تر از فاصله‌گذاری است.

اتفاق



میزان: محسن هاشمی درباره اقدام احتمالی برای راه‌اندازی سردخانه‌های سیار به علت بیک اخیر کرونا و مشکل دفن فوٹی‌ها که با کندی انجام می‌شود، گفت: اگر نیاز به ایجاد زیرساخت جدید باشد، سازمان بهشت زهرا و معاونت خدمات شهری شهرداری تهران، اقدامات لازم را انجام می‌دهند و در این مقطع گزارشی دراین‌باره به شورا ارسال نشده است.